

# واکاوی برخی از ترجمه‌های قرآن (بررسی موردی آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره ص)

**چکیده:** ترجمه در هر زبانی، برگرداندن سخن و انتقال معنای کلام از زبان مبدأ به زبان مقصد است به گونه‌ای که تمام مقاصد متن اصلی و مبدأ را متضمن باشد؛ البته این مسأله در مورد قرآن کریم که لفظ و معنای آن از جانب خداوند متعال است، حائز اهمیت بسیاری است زیرا توجه به معنای حقیقی و درست آیات و ترجمه‌ی صحیح آن، موجب دستیابی به معارف و مفاهیم عمیق قرآن کریم می‌شود همان‌گونه که ترجمه‌ی نادرست، افراد را از درک مفاهیم قرآن و اهداف والای آن باز می‌دارد. در ادیان توحیدی، بعد از یکتاپرستی، نبوت و ارسال پیامبران از جانب خداوند برای هدایت مردم از اصول دین است. اگر در ترجمه‌ی آیاتی که در ارتباط با پیامبران الهی است، دقت لازم صورت نگیرد، بسیاری از مفاهیم و اهداف قرآن زیر سؤال می‌رود. در این مقاله، به بررسی برخی از ترجمه‌های قرآن کریم در مورد آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره «ص» پرداخته می‌شود. هدف آن است که نقاط قوت و ضعف آن ترجمه‌ها روشن شود و با ارزیابی آنها، بهترین ترجمه یا ترجمه‌ها معرفی شود. این مقاله به شیوه‌ی تحلیلی انتقادی به بررسی موضوع می‌پردازد.

**کلیدواژه‌ها:** ترجمه، سوره‌ی ص، سلیمان عليه السلام، بنده‌ی خوب، اسبان تیزرو، مسح، ساق، گردن.

## دکتر سهراب مروتی

استاد دانشکده الهیات و معارف اسلامی  
دانشگاه ایلام  
Sohrab\_morovati@yahoo.com

## زهرا حسنی

(نویسنده مسئول)  
دانشجوی دکتری  
علوم قرآن و حدیث  
دانشگاه قم  
zahra.hasani7@yahoo.com

## پیشینه‌ی مقاله

دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۷  
پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۲۲

**واکاوی برخی از ترجمه‌های قرآن  
(بررسی موردی آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره ص)**

- مقدمه
- ذکر آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره ص و بیان ترجمه‌ها
- بررسی آیات از دیدگاه‌های مختلف
- دیدگاه‌ها در مورد «تورات بالحجاب» و «ردوها علیّ»
- جمع بندی و ارائه‌ی نظر
- بررسی و نقد ترجمه‌های مذکور
- نقد ترجمه‌ها
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

## ۱. مقدمه

قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، از دیرباز مورد توجه تمام انسان‌ها با زبان‌های گوناگون و با تمدن‌های مختلف بوده است و به همین خاطر لزوم ترجمه‌ی قرآن کریم به منظور آشنایی اقوام و ملل مختلف با معارف و حقایق آن، همواره یکی از ضرورت‌های تبلیغی برای معرفی قرآن کریم به عنوان کتاب راهنمای بشر به شمار می‌رفته است.

ترجمه‌ی قرآن دو بخش است: ترجمه‌ی غیر رسمی قرآن کریم و ترجمه‌ی رسمی قرآن کریم. از آغاز بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله ترجمه‌ی غیر رسمی قرآن کریم (ترجمه ناقص) شروع شد.

در این زمینه می‌توان به تعداد نامه‌های پیامبر صلی الله علیه و آله به بزرگان و پادشاهان ملل و اقوام که بالغ بر ۳۱۶ نامه شمرده‌اند، اشاره کرد و چون این نامه‌ها به زبان عربی نوشته می‌شد قاعدتاً بعضی از آنها شامل آیاتی از قرآن کریم بود و سفیران پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را به زبان آن اقوام ترجمه می‌کردند. علاوه بر این، پیامبر صلی الله علیه و آله بعضی از اصحاب خود را مأمور می‌کرد که زبان‌های دیگر را یاد بگیرند. ترجمه‌ی رسمی قرآن، ترجمه‌ی کامل قرآن است که رسماً شخص معین و یا گروه مشخص آن را انجام داده و شهرت یافته است. تعیین تاریخ دقیقی برای نخستین ترجمه‌ی رسمی قرآن به زبان‌های دیگر کار ساده‌ای نیست زیرا اکثر ترجمه‌ها یا از بین رفته است و یا این‌که اگر مقداری از آنها باقی مانده، بدون نام و نشان است. در دوره‌ی معاصر، تنوع بسیاری در بین ترجمه‌های قرآن کریم دیده می‌شود و هر یک از این ترجمه‌ها، دارای ویژگی‌های ساختاری خاصی هستند (نک: مروتی، ۱۳۹۴، ش، صص ۲۹-۴۷).

در این مقاله که بررسی موردی آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره «ص» است، به بیان چهارده ترجمه‌ی قرآن کریم از آن آیات می‌پردازیم. این ترجمه‌ها که به عنوان نمونه‌هایی انتخاب شده‌اند، عبارتند از: ترجمه‌ی آقایان الهی قمشه‌ای، انصاریان، عبدالمحمد آیتی، بروجردی، پورجوادی، حجتی، طبری، فارسی، فولادوند، کاویانپور، گرمارودی، مشکینی، معزی و مکارم شیرازی.

با بررسی ترجمه‌ها و محتوای آیات مورد نظر، کوشش خواهد شد که بهترین ترجمه یا ترجمه‌ها که مطابقت بیشتری با متن قرآن کریم داشته باشند و نیز نقایص ترجمه‌ها بیان شوند. ضرورت نقد ترجمه‌های موجود قرآن کریم از این نظر حائز اهمیت است که ترجمه‌ای کامل و امین است که وفادار به متن و مقصود قرآن کریم باشد.

به نظر می‌رسد بسیاری از ترجمه‌های قرآن کریم در برخی موارد به درستی به ترجمه‌ی آیات قرآن نپرداخته است و این مسأله در مورد ترجمه‌ی آیات مورد نظر این تحقیق نیز صادق است به طوری که برخی از این ترجمه‌ها، گناهان بزرگ و لغزش‌های ناروایی به حضرت سلیمان علیه السلام نسبت داده‌اند که با مقام پیامبری ایشان سازگار نیست. به عنوان مثال آیا می‌توان تصور نمود که پیامبری همچون سلیمان علیه السلام به جهت تماشای اسبان و قضا شدن نماز عصرش، به کشتن اسبان (زدن گردن و ساق‌های اسب‌ها با شمشیر) اقدام نماید؟ این نوشتار در صدد پاسخ به مسائلی از این قبیل و تبیین آیات مورد نظر و واکاوی ترجمه‌های مذکور و تفسیر آیات مربوط می‌باشد.

## ۲. ذکر آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره ص و بیان ترجمه‌ها

﴿وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ؛ إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ؛ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ؛ رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ﴾

ترجمه‌ها به ترتیب الفبایی به شرح زیر است:

الف) الهی قمشه‌ای

و به داود (فرزندش) سلیمان را عطا کردیم، او بسیار نیکو بنده‌ای بود، زیرا بسیار به درگاه خدا با تضرع و زاری رجوع می‌کرد ۳۰ (یاد کن) وقتی که بر او اسب‌های بسیار تندرو و نیکو را (هنگام عصر) ارائه دادند (و او به بازدید اسبان پرداخت برای جهاد در راه خدا و از نماز عصر غافل ماند) ۳۱ در آن حال گفت: (افسوس) که من از علاقه و حب اسب‌های نیکو از ذکر و نماز خدا غافل شدم تا آنکه آفتاب در حجاب شب رخ بنهفت ۳۲ آن‌گاه (با فرشتگان موکل آفتاب) خطاب کرد که (به امر خدا) آفتاب را بر من باز گردانید (چون برگشت اداء نماز کرد) و شروع به دست کشیدن بر ساق و یال و گردن اسبان کرد (و همه را برای جهاد در راه خدا وقف کرد) ۳۳

### ب) انصاریان

و سلیمان را به داود بخشیدیم، چه نیکو بنده‌ای بود به راستی او بسیار رجوع کننده (به خدا) بود ۳۰ [یا دکن] هنگامی را که در پایان روز اسب‌های چابک و تیزرو بر او عرضه کردند ۳۱ پس گفت: من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم [که نماز مستحب پایان روز است] اختیار کردم [زیرا می‌خواهم از آنان در جهاد با دشمن استفاده کنم و همواره به آنها نظر می‌کردم] تا [خوشید] پشت پرده‌ی افق پنهان شد ۳۲ [اسب‌ها چنان توجه او را جلب کرده بودند که گفت: آنها را به من باز گردانید پس [برای نوازش آنها] به دست کشیدن به ساق‌ها و گردن‌های آنها پرداخت ۳۳

### ج) عبدالمحمد آیتی

سلیمان را به داود عطا کردیم. چه بنده‌ی نیکویی بود و روی به خدا داشت ۳۰ آن‌گاه که به هنگام عصر اسبان تیزرو را که ایستاده بودند به او عرضه کردند ۳۱ گفت: من دوستی این اسبان را بر یاد پروردگارم بگزیدم تا آفتاب در پرده‌ی غروب پوشیده شد ۳۲ آن اسبان را نزد من باز گردانید پس به بریدن ساق‌ها و گردنشان آغاز کرد ۳۳

### د) بروجرودی

ما به داود سلیمان را بخشیدیم و او بنده‌ای نیکو بوده و به درگاه خدا بسیار با تضرع و زاری رجوع می‌کرد ۳۰ ای رسول ما بیاد بیاور وقتی را که هنگام مغرب اسب‌های بسیار تندرو و زیبا بر سلیمان عرضه دادند ۳۱ سلیمان با تأسف گفت شدت

علاقه‌ای که به اسب دارم مرا از یاد خدا غافل کرد و وقت نماز گذشت و آفتاب در پرده‌ی ظلمت پنهان شد ۳۲ به فرشتگان موکل آفتاب گفت با اجازه‌ی خداوند آفتاب را باز گردانید و چون برگشت و نماز گزارد اسب‌ها را بیرون کشید و سر و گردن آنها را زد تا همه مردند ۳۳

#### ه) پورجوادی

سلیمان را به داوود عطا کردیم، چه بنده خوبی همواره روی به درگاه ما داشت. ۳۰ چون غروبگاهان اسبان چابک و تیز رو بر او عرضه شد ۳۱ گفت: من دوستی اسبان را به یاد پروردگارم برگزیدم تا آن‌گاه که آفتاب در پرده نهنان شد ۳۲ آن اسبان را نزد من باز گردانید سپس به مسح ساق‌ها و گردن آنها پرداخت. ۳۳

#### و) حجتی

ما سلیمان را به داود بخشیدیم چه بنده‌ی نیکی بود چرا که همواره به سوی خدا باز گشت می‌کرد و به یاد او بود ۳۰ ای رسول ما به خاطر بیاور هنگامی را که عصرگاهان اسبان چابک تندر رو را بر او عرضه داشتند ۳۱ سلیمان گفت: علاقه به این اسبان مرا از ذکر خدا بازداشت ۳۲ آنها را به من باز گردانید و چون برگرداندند علامتی بر سر و گردن آنها نهاد تا وقف راه خدا باشند ۳۳.

#### ز) طبری

و بخشیدیم داود را سلیمان، و نیک بنده‌ای بود که او است بسیار بازگردنده ۳۰ و چون عرضه شد بر او به شبانگاه اسبان نیکان ۳۱ گفت: من دوست داشتم دوستی اسبان از یاد کرد خدای من تا ۳۲ باز گردانید بر من و اندر ایستاد مالیدن به ساق‌ها و گردن‌ها ۳۳

#### ح) فارسی

و به داود سلیمان را فرزند بخشیدیم، خوشا بنده؛ بیگمان او در پی کسب خشنودی خدا است ۳۰ چون شامگاهی

اسبان تیزتک را به نمایش از برابرش عبور دادند ۳۱ گفت من به جای یاد پروردگارم، عشق به مال را در دل پروردم تا خورشید در پس پرده گشت ۳۲ آنها را باز پس آورید. آن‌گاه بنا کرد به تیغ نهادن بر ساق و گردنشان (و به راه خدا قربانی کرد به توبه آن غفلت) ۳۳

### ط) فولادوند

و سلیمان را به داوود بخشیدیم، چه نیکو بنده‌ای؛ به راستی او توبه‌کار (و ستایشگر) بود ۳۰. هنگامی که [طرف] غروب، اسب‌های اصیل را بر او عرضه کردند ۳۱. [سلیمان] گفت: واقعاً من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم ترجیح دادم تا (هنگام نماز گذشت و خورشید) در پس حجاب ظلمت شد ۳۲. [گفت: اسب‌ها] را نزد من باز آورید پس شروع کرد به دست کشیدن بر ساق‌ها و گردن آنها (و سرانجام وقف کردن آنها در راه خدا) ۳۳.

### ی) کاویانپور

و ما به داود، سلیمان را عطا کردیم، او بسیار نیکو بنده‌ای بود و پیوسته رو به درگاه خدا داشت. ۳۰ وقتی که اسب‌های اصیل را هنگام عصر به سلیمان عرضه کردند. ۳۱ سلیمان گفت: محبت و علاقه‌ی من به اسب‌های خوب مرا از ذکر پروردگارم (نماز عصر) غافل ساخت تا اینکه آفتاب غروب کرد. ۳۲ (سلیمان گفت) آنها را نزد من برگردانید و دستی بر پا و گردن آنها کشید و همه را صدقه داد ۳۳.

### ک) گرمارودی

و ما به داود، سلیمان را بخشیدیم (او) نیکو بنده بود که اهل بازگشت (و توبه) بود. ۳۰ (یاد کن) آن‌گاه را که در پایان روز بر او اسبانی استوار ایستاده‌ی تیز تک را عرضه کردند. ۳۱ گفت: من دوستی این اسبان را به یاد پروردگارم دوست می‌دارم (و فرمان داد آنها را دوانند و به تماشا ایستاد) تا (از دیدگانش) پنهان شدند. ۳۲ آنها را نزد من باز گردانید. آن‌گاه به دست کشیدن بر ساق و گردن‌ها (ی آنها) آغازید. ۳۳

## ل) مشکینی

و ما به داود (فرزندش) سلیمان را بخشیدیم، نیکو بنده‌ای بود، حقاً که بسیار رجوع کننده (به سوی ما) بود. ۳۰ (و به یاد آر) زمانی که در پایان روز، اسبان نجیب و تندرو بر او عرضه شد. ۳۱ گفت: من دوستی اسبان جهاد را از سر یاد پروردگارم دارم (و سرگرم تماشا شد) تا آنها از نظر غایب شدند یا خورشید غروب کرد (و یا مشغول تماشای اسب‌ها گردید تا وقت وردش گذشت) گفت: همانا من دوستی اسبان را (نأگاه) بر یاد پروردگارم ترجیح دادم تا خورشید در حجاب شد (پس من ترک اولی کردم) ۳۲ (گفت) اسب‌ها را باز گردانید، پس شروع کرد به کشیدن دست به ساق‌ها و گردن‌ها (ی آنها به قصد وقف نمودن همه در راه جهاد). ۳۳

## ن) ترجمه‌ی معزی

و بخشیدیم به داود، سلیمان را، چه خوب بنده‌ای است، او است بسیار بازگشت کننده. ۳۰ گاهی که عرض شد بر او شامگاهان اسب صافنات تیزتک (که بر سه پا ایستند و نوک سم چهارم را بر زمین گذارند). ۳۱ گفت: همانا خوابیدم برای دوست داشتن اسبان از یاد پروردگار خویش تا نهان شد در پرده. ۳۲ باز گردانیدش بر من پس آغاز کرد دست سودن به ساق‌ها و گردن‌ها. ۳۳

## س) مکارم شیرازی

ما سلیمان را به داود بخشیدیم؛ چه بنده خوبی؛ زیرا همواره به سوی خدا بازگشت می‌کرد (و به یاد او بود). ۳۰ به خاطر بیاور هنگامی را که عصرگاهان اسبان چابک تندرو را بر او عرضه داشتند. ۳۱ گفت: من این اسبان را به خاطر پروردگارم دوست دارم (و می‌خواهم از آنها در جهاد استفاده کنم) او هم چنان به آنها نگاه می‌کرد تا از دیدگانش پنهان شدند. ۳۲ (آنها به قدری جالب بودند که گفت:) بار دیگر آنها را نزد من بازگردانید؛ و دست به ساق‌ها و گردن‌های آنها کشید (و آنها را نوازش داد). ۳۳



### ۳. بررسی آیات از دیدگاه‌های مختلف

وهبه الزحیلی در تفسیر این آیات گفته است: هبه و عطیه به یک معنی است. به داود، سلیمان را عطا کردیم که بنده‌ی صالح خدا است زیرا بازگشت کننده به خداوند و توبه کننده است و در اکثر اوقات به طاعت و عبادت و انابه به درگاه خداوند مشغول است. هنگامی که در زمان حکومت سلیمان در آخر روزی (عصر)، اسب‌ها به حضور او آورده شدند و آنها، اسب‌هایی بودند که پدرش داود برایش به ارث گذاشت و عرضه‌ی اسب‌ها در آن روز برای سلیمان، عرضه‌ی نظامی بوده است، سلیمان گفت: این اسب‌ها را دوست دارم و آنها را اختیار می‌کنم بر دیگر چیزها، دوست داشتنی که از آن، ذکر خدا و امتثال امرش حاصل شود نه دوست داشتن از روی هوی و شیفتگی و دلدادگی. آن اسب‌ها بسیار بودند، اسب‌ها می‌تاختند تا اینکه به سبب غبار و دوری مسافت از مقابل دیدگانش محو شدند. دوست داشتن اسب‌ها فقط برای اطاعت امر خداوند برای آمادگی جهاد در راه خدا و تقویت دین و ارکان آن و گسترش دین بین مردم بوده است و این تفسیری است که با نبوت و شرافت رسالت و دلالت حال بر آن، موافقت دارد. سلیمان گفت: اسب‌ها را نزد من برگردانید و همان‌گونه که عادت داشت به دست کشیدن به ساق‌ها و گردن‌ها و پیشانی آنها پرداخت به خاطر محبت و تکریمی که به اسب‌ها داشت و موجب خرسندی و مسرت او می‌شدند و هم‌چنین برای پیگیری اوضاع و احوال اسب‌ها برای آماده شدن در جهاد؛ زیرا آنها وسیله‌ای برای جنگ در مقابل دشمنان و دفع غارت متجاوزان بودند. و این سخن که سان دیدن اسب‌ها باعث شد سلیمان از نماز عصرش غافل شود تا خورشید غروب کرد یا این که او تمام اسب‌ها را با شمشیر قطعه‌قطعه کرد و کشت، صحیح نیست و از اسرائیلیات است و این تفسیر از پیامبری که شاکر نعمت‌های پروردگارش است، بعید است. (زحیلی، التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج، ۱۴۱۱ ق، ج ۲۳، صص ۲۰۰، ۲۰۱ و همو، التفسیر الوسیط، ۱۴۲۷ ق، ج ۳، صص ۲۲۰۵، ۲۲۰۴) در تاریخ طبری نقل شده است: «سلیمان، هزار اسب تازی داشت که روزی همه را بر او عرضه کردند و سلیمان از نعمت این جهان، دو چیز بیشتر دوست داشت: یکی اسب و دیگری سلاح برای جنگ کردن با کافران. نماز دیگر، فریضه‌تر بود و گرامی‌تر و نماز دیگر، «صلاة وسطی» بود که چون در بین چهار نماز: نماز بامداد و نماز پیشین و نماز شام و نماز خفتن بود به آن نماز وسطی می‌گفتند. آن اسبان که از سبا آورده بودند بر او عرضه

شدند و آن اسب‌ها از پدرش داود به میراث بدو رسیده بود، چون نهصد اسب عرض کردند، آفتاب فرو شده بود و نماز دیگر از وقت گذشت، سلیمان خود را ملامت کرد و گفت: خدای سُبْحٰنَهُ، دوستی مال در دل من افکند تا نماز از دل من بشد و آفتاب فرو رفت، پس گفت: این اسبان را باز گردانید و ایشان را همه گردن بزد و علماء و مفسران این تفسیر را نپسندیدند که اگر سلیمان را سهو افتاد و نمازش فوت شد، اسبان را چه گناهی بود؟ و خبر است از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر نیکو داشتن چهارپایان و نیز گفته شده: محمد بن حنیفه از حضرت علی عَلِيٌّ از معنی آیه‌ی ﴿فَطْفِقْ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْاَعْنَاقِ﴾ پرسید، فرمود: اسبان را جدا کرد تا از آن بهری به سبیل دهد و بهری بر ساق و بر گردن داغ نهاد تا غازیان بر او حرب کردند و از بهر خویشتن هیچ باز نگرفت تا کفاره‌ی گناهش باشد و این معنی سخت نیکوست. (طبری، ۱۳۷۸ ش، ج ۱، ص ۴۳۲) در تفسیر المیزان گفته شده: کلمه «عشی» در مقابل «غدا» است که به معنای اول روز است و «عشی» آخر روز و بعد از ظهر است. «صافات» جمع «صافنه» است و صافنه آن اسبانی را می‌گویند که بر سه پای خود ایستاده و یکی را بلند می‌کند تا نوک سمش روی زمین قرار گیرد. «جیاد» جمع «جواد» است که «واو» آن در جمع به «یا» قلب می‌شود و معنایش تندرو است گویا حیوان از دویدن بخل نمی‌ورزد. «قال» به سلیمان بر می‌گردد و مراد از «خیر» به طوری که گفته‌اند «اسب» است چون عرب، اسب را خیر می‌نامند. از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده که فرمود: تا قیامت، خیر را به پیشانی اسب‌ها گره زده‌اند. بعضی هم گفته‌اند: مراد از «خیر» مال بسیار است مانند آیه: ﴿إِنَّ تَرَكَ خَيْرًا﴾ (البقره، ۱۸۰).

(احببت) متضمن معنای ایثار است و (عن) به معنای (علی) است و منظور سلیمان عَلِيٌّ این است که من محبتی را که به اسبان دارم ایثار و اختیار می‌کنم بر یاد پروردگارم که عبارت است از نماز در حالی که آن را نیز دوست می‌دارم و یا معنایش این است که، من اسبان را دوست می‌دارم دوستی‌ای که در مقابل یاد پروردگارم نمی‌توانم از آن چشم‌پوشم در نتیجه وقتی اسبان را بر من عرضه می‌دارند از نمازم غافل می‌شوم تا خورشید غروب می‌کند. ضمیر در «تورات» به «شمس» بر می‌گردد با این‌که قبلاً نامش نیامده بود ولی از کلمه‌ی «عشی» استفاده می‌شود. توارى خورشید، غروب کردن و پنهان شدن در پشت پرده‌ی افق است و اگر منظور، خورشید نبود کلمه «عشی» ذکر نمی‌شد. حاصل معنای آیه این است که من آن قدر به اسب علاقه یافته‌ام که وقتی اسبان را بر من عرضه کردند، نماز از یادم رفت تا وقتش فوت شد

و خورشید غروب کرد، البته علاقه‌ی سلیمان علیه السلام به اسبان برای خدا بوده چون می‌خواست آنها را برای جهاد در راه خدا تربیت کند پس حضورش برای عرضه‌ی اسبان به وی، خود عبادت بوده است و عبادتی او را از عبادتی دیگر باز داشته، چیزی که هست نماز در نظروى مهم‌تر از آن عبادت دیگر بوده است. بعضی دیگر از مفسران گفته‌اند: ضمیر در «تورات» به کلمه «خیل» بر می‌گردد و معنایش این است که: سلیمان از شدت علاقه‌ای که به اسبان داشت بعد از سان دیدن از آنها، هم‌چنان به آنها نگاه می‌کرد تا آن‌که اسبان در پشت پرده‌ی دوری ناپدید شدند، ولی کلمه‌ی «عشی» در آیه‌ی قبل، مؤید احتمال اول است و دلیل نه در لفظ آیه و نه در روایات بر این گفتار نیست. ضمیر در «ردوها» نیز به «شمس» بر می‌گردد و سلیمان علیه السلام به ملائکه امر می‌کند که آفتاب را برگردانند تا او نماز خود را در وقتش بخواند، سلیمان شروع کرد پاها و گردن خود را مسح کردن و به اصحاب خود نیز دستور داد این کار را بکنند و این وضوی ایشان بوده، آن‌گاه او و اصحابش نماز خواندند و این معنا در بعضی از روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام نیز آمده است. بعضی دیگر از مفسران گفته‌اند: ضمیر در «ردوها» به «خیل» بر می‌گردد و معنایش این است که سلیمان دستور داد تا اسبان را دوباره برگردانند و چون برگردانند به ساق‌ها و گردن‌های آنها دست کشید و آنها را در راه خدا سبیل کرد تا کفاره‌ی سرگرمی به اسبان و غفلت از نماز باشد. برخی دیگر گفته‌اند: ضمیر در «ردوها» به «خیل» بر می‌گردد ولی منظور از دست کشیدن به ساق‌ها و گردن‌های آنها، زدن آنها با شمشیر و بریدن دست و گردن آنها است چون مسح به معنای بریدن نیز می‌آید بنابراین سلیمان علیه السلام از این‌که اسبان او را از عبادت خدا باز داشته‌اند، خشمناک شده و دستور داده آنها را برگردانند و ساق و گردن همه را با شمشیر زده و همه را کشته است ولی این تفسیر صحیح نیست چون چنین عملی از انبیا سر نمی‌زند. برخی از مفسران به روایت ابی‌بن‌کعب استدلال کرده‌اند بر صحت این تفسیر و گفته‌اند: سلیمان علیه السلام اسبان را در راه خدا قربانی کرده و لابد قربانی اسب هم در شریعت او جایز بوده، و این سخن به هیچ‌وجه صحیح نیست چون در روایت ابی، اصلاً سخنی از قربانی کردن اسب به میان نیامده است. سلیمان علیه السلام از عبادت، غافل و مشغول به لهو و هوی نشده بلکه عبادتی دیگر او را مشغول کرده است. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، صص ۲۰۲-۲۰۴). در تفسیر نمونه بیان شده: تعبیر «وهبنا» و تعبیر «نعم العبد» و تعلیل «انه او اب»، «کسی که پیوسته به اطاعت خدا باز می‌گردد و از کوچک‌ترین غفلت‌ها و لغزش‌ها

توبه می‌کند»، همه بیان‌گر عظمت مقام سلیمان علیه السلام است. سلیمان علیه السلام برای اینکه تصور نشود که علاقه‌ی او به این اسب‌های پر قدرت، جنبه‌ی دنیاپرستی دارد، گفت: «من این اسبان را به خاطر یاد پروردگارم و دستور او دوست دارم»، من می‌خواهم از آنها در میدان جهاد با دشمنان او استفاده کنم. سلیمان که از مشاهده‌ی اسب‌های چابک و آماده برای جهاد با دشمن خرسند شده بود هم‌چنان آنها را نگاه می‌کرد تا از دیدگانش پنهان شدند، او دستور داد بار دیگر این اسب‌ها را برای من باز گردانید، وقتی اسب‌ها را باز گرداندند، سلیمان آنها را مورد نوازش قرار داد و دست به ساق‌ها و گردن‌های آنها کشید و این‌گونه اظهار قدردانی از هر مرکبی، امری معمول است و این ابراز علاقه در برابر اسبانی که در جهاد در راه خدا کمک می‌کنند از پیامبر بزرگی هم‌چون سلیمان، تعجب‌آور نیست. ضمیر در «تورات بالحجاب» و «ردوها» به «اسب‌ها» بر می‌گردد نه به «خورشید» زیرا کلمه‌ی «شمس» صریحاً در آیات نیامده در حالی که اسب‌ها «الصفان الجیاد» صریحاً ذکر شده و مناسب‌تر این است که ضمیرها به کلمه‌ای باز گردد که صریحاً در آیات آمده است. ﴿عن ذکر ربی﴾ ظاهرش این است که محبت این اسب‌ها ناشی از یاد و فرمان خدا بوده و اگر «عن» به معنی «علی» باشد یعنی من محبت اسب‌ها را به محبت پروردگارم ترجیح دادم و این معنی خلاف ظاهر است. «ردوها علی» با لحنی آمرانه است، آیا ممکن است سلیمان علیه السلام با چنین لحنی که با خدمتگذارانش صحبت می‌کند از خدا یا فرشتگان او بخواهد که خورشید را باز گردانند؟ مسأله‌ی «رد شمس» گرچه در برابر قدرت خدا، محال نیست اما مشکلاتی دارد که جز در موارد قیام دلیل روشن، نمی‌توان آن را پذیرفت. آیات مربوطه با مدح و تمجید سلیمان شروع می‌شود در حالی که طبق برخی تفسیرهای یاد شده، به مذمت او می‌انجامد. اگر نماز واجب، ترک شده، توجیه آن مشکل است و اگر نماز، نافله بوده، رد شمس ضرورتی ندارد. این تفسیر «رد شمس» در روایات متعددی در منابع حدیثی وجود دارد ولی با بررسی سندی احادیث مشخص می‌شود که هیچ‌کدام سند معتبری ندارد و غالباً روایات مرسله است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۱۹، صص ۲۷۰-۲۷۷) با این حال به نظر می‌رسد دور از عقل نیست آن چنان که رد الشمس برای امیرالمومنین علی علیه السلام واقع شده است منافاتی ندارد که برای حضرت سلیمان علیه السلام نیز واقع شود.

#### ۴. دیدگاه‌ها در مورد «تورات بالحجاب» و «ردوها علی»

در روح المعانی از کتابهای تفسیری اهل تسنن بیان شده است: کسی که به «رد شمس» برای سلیمان نظر می‌دهد، می‌گوید: آن مانند رد شمس برای یوشع و رد شمس برای پیامبر ﷺ در روز خندق است. و به روایتی از اسماء بنت عمیس از پیامبر ﷺ اشاره می‌شود که پیامبر ﷺ برای این که حضرت علی رضی الله عنه برای اطاعت فرمان خدا و اطاعت رسول خدا صلی الله علیه و آله از نماز عصر بازماند از خداوند در خواست می‌کند که خورشید را برای او برگرداند. در صحت این خبر، تردید وجود دارد و ابن جوزی در الموضوعات آن را آورده است و گفته: این حدیث بدون شک موضوع است و در سند آن احمد بن داود است که متروک الحدیث و کذاب است همان طور که دارقطنی هم آن را گفته است و ابن حبان گفته است: حدیث وضع می‌کرده است و ابن جوزی گفته است: این حدیث را ابن شاهین روایت کرده سپس گفته: این حدیث باطلی است و واضح آن غفلت نموده و به صورت فضیلت به آن نگاه کرده و متوجه عدم فائده‌ی آن نشده است زیرا نماز عصر با غیبت خورشید، قضا می‌شود و باز گرداندن خورشید آن را به ادا بر نمی‌گرداند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۱۸۶).

در مورد اسبهای سلیمان، از قول برخی نقل شده که: این اسب‌ها، اسب‌هایی بال‌دار بودند که برای سلیمان از دریا خارج شدند و برای احدی، قبل و بعد از او نبوده است و نیز گفته شده: دو هزار اسب بال‌دار بودند و در نقلی، عایشه به پیامبر ﷺ گفت: شنیدم سلیمان رضی الله عنه اسب‌های بال‌داری داشته است، پیامبر ﷺ خندید تا اینکه دندان‌هایش نمایان شد. و اینها گفته‌هایی دور از ذهن و بعید است و به این اخبار توجهی نمی‌شود؛ زیرا خبر صحیح مرفوعی در آنها نیست و اسب‌های سلیمان از اسبانی بودند که نزد پادشاهان و سلاطین بوده و بر او عرضه شدند تا خورشید غروب کرد و از نماز عصر غافل شد و در روایات اصحاب آمده که نماز اول وقت از دست رفت و جبائی گفته: نماز فریضه نبوده و آن نماز نافله‌ای بوده که در آخر روز می‌خواندند. و نیز گفته شده: قبل از این که سان دیدن از اسب‌ها کامل شود، خورشید غروب کرد و نماز عصر سلیمان از دست رفت و او متوجه غروب خورشید نشد و به این خاطر اندوهگین شد، گفت: اسب‌ها را برگردانید و ساق‌ها و گردن‌هایشان را با شمشیر زد و برای تقرب به خدا و کسب رضایت الهی به خاطر این که اشتغال به اسب‌ها او را از طاعت خداوند باز داشت، آنها را قربانی کرد. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۲، ص ۱۸۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۰۹؛ عینی،

بی‌تا، ج ۱۶، ص ۱۳). در تفسیر نورالثقلین گفته شده: در «من لا یحضره الفقیه» از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده که فرمود: «إِنَّ سَلِيمَانَ بْنَ دَاوُدَ عُرِضَ عَلَيْهِ ذَاتَ يَوْمٍ بِالْعَشِيِّ الْخَيْلَ فَاشْتَعَلَ بِالنَّظَرِ إِلَيْهَا حَتَّى تَوَارَتْ الشَّمْسُ بِالْحِجَابِ فَقَالَ لِلْمَلَائِكَةِ: زُذُّوا الشَّمْسَ عَلَيَّ حَتَّى أُصَلِّيَ صَلَاتِي فِي وَقْتِهَا، فَرَدُّوْهَا فَمَا فَمَسَحَ سَاقِيهِ وَعُنُقَهُ وَ أَمَرَ أَصْحَابَهُ الَّذِينَ فَاتَتْهُمْ الصَّلَاةُ مَعَهُ بِمِثْلِ ذَلِكَ وَ كَانَ ذَلِكَ وَضَوْءَهُمْ لِلصَّلَاةِ ثُمَّ قَامَ فَصَلَّى فَلَمَّا فَرَغَ غَابَتِ الشَّمْسُ وَ طَلَعَتِ النُّجُومُ. وَ أَيْنَ رَوَايَتُ فِي تَفْسِيرِ الصَّافِي هُمُ آتِيَةٌ. (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۵۴ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۹۸) در برخی دیگر از منابع نقل شده است که: سلیمان علیه السلام به خاطر مشغول شدن به اسب‌ها از نماز عصر بازماند و در روایت اصحاب است که اول وقت نماز گذشت و ابن عباس به حضرت علی علیه السلام گفت: از کعب الاحبار شنیدم که می‌گوید: سلیمان به سان دیدن از اسب‌ها مشغول بود تا این‌که وقت نماز گذشت پس گفت: اسب‌ها را نزد من برگردانید و آنها چهارده اسب بودند پس دستور داد با شمشیر همه را کشتند و خداوند، ملکش را در چهارده روز از او گرفت زیرا با کشتن اسب‌ها ظلم نمود، حضرت علی علیه السلام فرمود: کعب دروغ گفت و سلیمان روزی به سان دیدن از اسب‌ها برای جهاد در مقابل دشمن، مشغول بود تا خورشید در پس پرده فرو رفت و به ملائکه‌ی موکل بر خورشید گفت: به امر خدا خورشید را برایم برگردانید پس خورشید را برگرداندند و نماز عصر را در وقتش خواند و انبیاء خدا ظلم نمی‌کنند و به ظلم دستور نمی‌دهند زیرا معصوم و مطهر هستند (قمی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، صص ۲۳۵، ۲۳۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۷۴۱؛ عینی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۴۳؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۹۹؛ حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۴۵۵؛ ری شهری، ۱۴۲۵ق، ج ۱۱، ص ۷۶). صاحب مفاتیح الغیب معتقد است: این احتمال که (ردوها علی) به «رد شمس» اشاره داشته باشد، نزد من بعید است زیرا (صافنات) به صورت صریح ذکر شده است و (شمس) غیر مذکور است و بازگشت ضمیر به مذکور سزاوارتر از بازگشت ضمیر به مقدر است و ظاهر الفاظ نیز دلالت دارد بر این‌که هنگام تماشای تاختن اسب‌ها، آنها از دیدگانش محو شده‌اند و این معنا مناسب است. اگر بازگشت ضمیر در (تورات بالحجاب) به (شمس) باشد و لفظ را بر این حمل کنیم که نماز عصرش ترك شد، با «احببت حب الخیر عن ذکر ربی» منافات دارد. دیگر این‌که فوت شدن نماز عصر، گناه و جرم بزرگی است و حالت تضرع و ناراحتی و مبالغه در اظهار توبه به درگاه خداوند را به همراه دارد و «ردوها علی» تعبیری است که عاری از ادب، بعد از آن جرم بزرگ



است که از دورترین مردم نسبت به خیر، صادر نمی‌شود پس چگونه این کلام را به رسول مطهر مکرمی اسناد دهیم! و اگر خورشید پس از غروب برگردد، کل مردم دنیا آن را مشاهده می‌کنند و اگر این‌گونه بود دواعی بر نقل و اظهار آن بسیار بود و هنگامی که احدی آن را بیان نکرده است، فسادش را متوجه می‌شویم پس در (تورات بالحجاب) بازگشت ضمیر به نزدیک‌ترین کلمه‌ی ذکر شده، اولی است و آن کلمه‌ی (صافنات الجیاد) است و کلمه‌ی (عشی) دورتر است. قائلان به این سخن که سلیمان علیه السلام به خاطر مشغول شدن به اسب‌ها و از دست رفتن نماز عصرش، تمام اسب‌ها را با شمشیر قطعه‌قطعه کرده و کشت، انواعی از افعال مذموم را در سلیمان علیه السلام جمع کردند: ترك نماز، اشتغال به حب دنیا، فراموشی نماز و بعد با وجود این جرم بزرگ، عدم توبه و انابه به درگاه خدا، و این‌که خداوند را با تعبیر «ردوها علی» مورد خطاب قرار داد و اینکه این معاصی را به گردن اسب‌ها انداخت، اینها کبائری است که به سلیمان علیه السلام نسبت داده شده و لفظ قرآن به هیچ‌کدام از آنها دلالتی ندارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۶، صص ۳۹۱، ۳۹۰). در روض الجنان و روح الجنان نقل شده که: گفته شده کشتن اسب‌ها نه بوجه عقوبت بلکه به جهت کفاره و قربت و گوشت او به صدقه دادن است و از عبدالله عباس گفته شده، معنی مسح آن است که دست به ساق و گردن اسب‌ها می‌کشید بر سبیل اکرام و محبت، و مسح، غسلی باشد خفیف، بعضی دیگر گفتند: اسب‌ها را در راه خدا و راه جهاد وقف کرد و مسح اسب‌ها یعنی اینکه گردن و ساق آنها را با علامت داغ کرد (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۷۴).

در تاریخ مدینه دمشق گفته شده: (تورات بالحجاب) به (شمس) بر می‌گردد و نماز عصر سلیمان علیه السلام به خاطر دیدن اسب‌ها، فوت شد و «صلاة وسطی» نماز عصر است (ابن عساکر، ۱۴۱۵ق، ج ۲۲، ص ۲۴۱) ابن‌کثیر نیز گفته: (تورات بالحجاب) یعنی خورشید و نیز گفته شده منظور، اسب‌ها است. سلیمان علیه السلام گفت: اسب‌ها را نزد من برگردانید که در اینجا دو نظر وجود دارد: با شمشیر، اسب‌ها را کشت و بر طبق نظر دیگری گفته شده: با دست، عرق اسب‌ها را پاک کرد همان‌طور که عادت رایجی بوده است. و آن‌چه بیشتر سلف بر آن متفق هستند، قول اول (رد شمس) است پس گفته‌اند: سلیمان علیه السلام به دیدن اسب‌ها مشغول بود تا این‌که وقت عصر، گذشت و خورشید غروب کرد و این مطلب از علی بن ابی طالب علیه السلام و دیگران روایت شده و گفته‌اند سلیمان، نماز را عمدی و بدون عذر ترك نکرد بلکه نمازش به جهت آمادگی

برای جهاد و عرضه‌ی اسب‌ها به او به تأخیر افتاد (ابن کثیر، قصص الانبیاء، ۱۳۸۸ق، ج ۲، صص ۲۹۹، ۲۹۸؛ همو، البداية و النهاية، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۳۰؛ همو، تهذیب قصص الانبیاء، ۱۴۲۴ق، ص ۳۴۵).

مجلسی اول در تفسیر آیه‌ی: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا﴾ (النساء، ۱۰۳) در روایتی از امام محمد باقر علیه السلام بیان نموده که: مراد از موقوت نه آنست که اگر از این وقت بگذرد، فوت شود و جبران نتوان کرد و اگر چنین می‌بود که حضرت سلیمان هلاک می‌شد چون نماز را در غیر وقت فضیلت یا اختیار به جا آورد. و این مؤاخذة نیز نیست بلکه خود را از ثواب عظیم اول وقت محروم ساخته است و اگر چنین می‌بود که اگر از وقت فضیلت بگذرد، قضا باشد یا مؤاخذة باشد می‌بایست که حضرت سلیمان علیه السلام هلاک شود که نمازش از وقت فضیلت گذشت و خداوند، آفتاب را از جهت او برگردانید و او نماز را در وقت خود به جا آورد (محمدتقی مجلسی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، صص ۵۰-۵۲) مجلسی دوم نیز در روایتی به نقل از امام صادق علیه السلام به این مضمون اشاره نموده که: روزی بر سلیمان بن داود علیه السلام اسب‌ها عرضه شدند و به دیدن آنها مشغول شد تا اینکه خورشید در پس پرده‌ی غروب فرورفت پس به فرشتگان گفت: خورشید را برایم برگردانید تا نمازم را در وقتش بخوانم پس خورشید را برگرداندند پس به پا خاست و ساق‌ها و گردنش را مسح نمود و به آن گروه از یارانش که با او بوده و نمازشان قضا شده بود به انجام آن عمل، دستور داد و آن وضوء آنها برای نماز بود سپس بلند شد و نماز خواند و هنگامی که از نماز فارغ شد، خورشید غروب کرد و ستارگان پدیدار شدند (محمد باقر مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹، ص ۳۴۱).

در فتح الباری نیز بیان شده: منظور از «تورات بالحجاب» خورشید است و عدم ذکر «شمس» به جهت دلالت سیاق بر آن و اعتماد بر فهم شنوندگان است. (عسقلانی، بی تا، ج ۲، ص ۳۶) در منابع تفسیری دیگری نیز ذیل آیه ۱۰۳ سوره النساء، وجوب نماز بر مؤمنین بیان شده است و گفته شده: اگر نماز، وقتی داشته باشد که فقط در آن وقت، نماز خواندن جایز باشد و قبول شود و نماز در غیر آن وقت، ادا نباشد که مصیبت است و اگر این‌گونه بود که می‌گفتند که سلیمان بن داود علیه السلام هلاک شده بود و اگر قبل از آنکه خورشید، غروب کند، نمازش را خوانده بود در وقت خوانده بود و وقت هیچ نمازی، طولانی‌تر از نماز عصر نیست. پس نماز، تکلیفی واجب است اما آن مثل وقت حج و رمضان نیست که



وقت مشخصی دارد و اگر از دست برود، قضا شده است. (عیاشی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۴؛ بحرانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۶۸؛ حویزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۵۴۶) بر طبق روایتی از پیامبر ﷺ چنین نقل شده که: نمازی که از سلیمان بن داود عليه السلام در اول وقت، فوت شد نماز عصر بود و (عن ذکر ربی) به نماز عصر اشاره دارد و «صلاه وسطی»، نماز عصر است و در روز احزاب، پیامبر ﷺ چنین فرمود: «شغلونا عن الصلاه الوسطی صلاة العصر، ملا الله بیوتهم نارا ثم قال: انها الصلاة التي شغل عنها سلیمان بن داود حتی تورات بالحجاب». (تستری، ۱۴۲۳ ق: ص ۱۳۲؛ راوندی، ۱۴۰۵ ق: ج ۱، ص ۱۶۴؛ کاظمی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۴) صاحب التبیان نیز معتقد است که (تورات بالحجاب) کنایه از خورشید است. (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ج ۸، ص ۵۵۹) در روایتی از حفصه از پیامبر ﷺ چنین نقل شده: «و الصلاة الوسطی صلاة العصر و فضلها لکثرة اشتغال الناس فی وقتها و اجتماع ملائکه الیل و النهار فیها». و نماز مورد نظری که از سلیمان قضا شد، نماز عصر بوده است. (کاشانی، ۱۴۲۳ ق: ج ۱، ص ۳۸۱) در متشابه القرآن و مختلفه بیان شده: (حتی تورات بالحجاب) به اسب‌ها بر می‌گردد نه به خورشید زیرا ذکر اسب‌ها در آیه بوده است و ذکر خورشید در آیه نبوده است. (ردوها علی) یعنی اسب‌ها را نزد من برگردانید و دست به گردن و ساق‌های اسب‌ها کشید و این عادت مردم است برای حفظ و صیانت و تکریم نسبت به اسب‌ها. و عرب، زدن با شمشیر و قطع کردن با آن را مسح نمی‌نامد و برای شمشیر، ذکری آورده نشده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۲۸ق، ج ۱، ص ۲۵۰). در احکام القرآن گفته شده: منظور از (تورات بالحجاب)، «شمس» است و به جهت دلالت حال بر خورشید از آن با کنایه سخن گفته است (جصاص، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۸۹). در مجمع البحرین هم، منظور از (تورات بالحجاب) خورشید، ذکر شده و گفته: عرب هنگامی که در کلام، سخنی باشد که بر مضمیر دلالت کند، ذکری از کلمه نمی‌آورد (طریحی، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۴۳۴). در اضواء البیان هم نظیر این مطلب گفته شده که منظور از (تورات بالحجاب) خورشید است و در کلام عرب، بازگشت ضمیر به کلمه‌ی غیر مذکور در کلام که دلالتی بر آن وجود دارد، بسیار است (شنقیطی، ۱۴۱۵ق ج ۲، ص ۳۹۲). صاحب قاموس قرآن نیز معتقد است که فاعل (تورات) شمس است یعنی آفتاب به پرده شده و غروب کرد و گفته‌اند: تماشای اسبان، سلیمان را از نماز بازداشت و به قول طبرسی، اول وقت نماز از او فوت شد و جبائی گفته: نماز واجب فوت نشد بلکه نافله‌ای بود که در آخر وقت به جا می‌آورد. (قرشی، ۱۳۵۲ش، ج ۲، ص ۹۴)

در تحقیق بیان شده: ضمیر در (تورات و ردوها) به (صافنات) بر می‌گردد که در سیاق کلام به صورت صریح آمده است و به معنای امر به برگرداندن خورشید و سپس مسح ساق‌ها و گردن‌ها نیست و باز گرداندن اسب‌ها، به قصد محاسبه‌ی ثانویه و دوست داشتن آنها و یا به قصد ناراحتی به جهت انصراف از ذکر خدا بوده است و غرض از توجه به اسبان تیزرو که از مصادیق خیر بوده‌اند، شمارش آنها در مقابل دشمن بوده است. (مصطفوی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۲۵۶) در نقل دیگری گفته شده: منظور از (ردوها علی) اسب‌ها است و مسح گردن و ساق‌های اسبان برای اظهار مسرت از وجود اسب‌ها و مبارك داشتن آنها بوده است و این تفسیر را، ظاهر لفظ قبول می‌کند و قول به کشتن اسب‌ها با شمشیر با پیامبری و عصمت انبیاء منافات دارد و با قول خداوند (نعم العبد انه اواب) نیز منافات دارد (مغنیه، ۱۴۰۳ق، ص ۶۰۱). در همین زمینه در الفتوحات المکیه نیز بیان شده: (تورات بالحجاب) یعنی اسب‌های تندرو که مشتاق آنها بود از نظر محو شدن پس گفت: آنها را نزد من برگردانید. و مفسرانی که تواری را مربوط به خورشید می‌دانند، پس در آن جا ذکر از خورشید نیست و نه از نمازی که می‌پندارند. آنان در این زمینه، حکایت‌های یهود در تفسیر قرآن را اخذ کرده‌اند در حالی که پیامبر ﷺ به ما دستور داد که اهل کتاب را نه تصدیق کنیم و نه تکذیب پس هر کس قرآن را به روایت یهود تفسیر کند، امر پیامبر ﷺ را رد کرده است و هر کس امر پیامبر ﷺ را رد کند امر خداوند را رد کرده است زیرا خداوند امر فرمود که پیامبر ﷺ را اطاعت کنیم و از او امر او پیروی و از نواهی او دوری کنیم (ابن عربی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۰۷).

## ۵. جمع بندی و ارائه نظر

در جمع بندی دیدگاه‌های مختلف در تفسیر آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره ﷻ باید گفت: با توجه به روایت حضرت علی ﷺ و ائمه ﷺ در این زمینه که خبر کشتن اسب‌ها با شمشیر توسط سلیمان ﷺ و یا به دستور او، کذب بوده است، پس این خبر به صورت قطعی مورد پذیرش نیست و علاوه بر روایاتی از ائمه ﷺ که مؤید این معنا هستند، قول به کشتن اسب‌ها با مدحی که در ابتدای آیات مذکور نسبت به سلیمان شده یعنی (نعم العبد) و (انه اواب) و نیز با مقام پیامبری و عصمت انبیاء منافات دارد. سلیمان ﷺ به خاطر استفاده از اسبان در میدان جهاد و به خاطر یاد پروردگار و دستور او به اسب‌ها علاقه داشت. به نظر نگارندگان، منظور از (تورات بالحجاب) اسب‌ها است زیرا سیاق آیات در مورد اسب‌های سلیمان

است و ضمیر (ردوها علی) نیز به اسب‌ها بر می‌گردد و سلیمان علیه السلام با دست کشیدن به ساق‌ها و گردن اسب‌ها علاقه و محبت و تکریم خود نسبت به آنها را نشان داده است. اگر (تورات بالحجاب) به خورشید برگردد، (ردوها علی) نیز به خورشید بر می‌گردد یعنی پس از اینکه خورشید غروب کرد و نماز سلیمان فوت شد، به امر سلیمان، خورشید باز گردانده می‌شود و منظور از مسح ساق‌ها و گردن‌ها، وضوی آنها برای نماز بوده است. (ردوها علی) تعبیری آمرانه است، چطور می‌توان تصور نمود که پیامبر خدا، سلیمان علیه السلام با لحنی این‌چنین، از خداوند یا فرشتگان او درخواست کند که خورشید را بازگردانند.

پس به نقل قول‌هایی که افعال مذمومی را به سلیمان علیه السلام نسبت می‌دهند، نمی‌توان اعتماد نمود و به نظر می‌رسد بهتر است با ذهن خالی از پیش‌داوری، آنچه را که از متن آیات به دست می‌آید، انتخاب کنیم تا از اشکالات مختلف، فارغ شویم.

## ۶. بررسی و نقد ترجمه‌های مذکور

در تحلیل و نقد چهارده ترجمه‌ی مذکور، نظر نگارنده‌ی مقاله بیان می‌شود:

۱. ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای: در این ترجمه، به این موارد کلیدی اشاره شده است: غافل شدن از نماز عصر به جهت علاقه به اسب‌های نیکو، بازدید اسبان برای جهاد در راه خدا، غروب کردن خورشید، بازگرداندن آفتاب، اداء نماز، دست کشیدن بر ساق و یال و گردن اسب‌ها و وقف کردن آنها برای جهاد در راه خدا.
۲. ترجمه‌ی انصاریان: موارد اساسی: اختیار کردن دوستی اسبان بر یاد پروردگار، نماز مستحب پایان روز، استفاده از اسبان در جهاد با دشمن، پنهان شدن خورشید پشت پرده‌ی افق، بازگرداندن اسب‌ها به سلیمان، دست کشیدن بر ساق و گردن اسب‌ها برای نوازش آنها.
۳. ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی: موارد اساسی: برگزیدن دوستی اسبان بر یاد پروردگار، غروب کردن خورشید، بازگرداندن اسب‌ها، بریدن ساق و گردن اسب‌ها.

۴. ترجمه‌ی بروجردی: موارد اساسی: شدت علاقه به اسبان، موجب غافل شدن از یاد خدا و گذشتن وقت نماز؛ غروب آفتاب؛ بازگرداندن آفتاب؛ اداء نماز؛ زدن سر و گردن اسب‌ها.
۵. ترجمه‌ی پورجوادی: موارد اساسی: برگزیدن دوستی اسبان بر یاد پروردگار، غروب آفتاب، بازگرداندن اسبان، مسح ساق‌ها و گردن اسب‌ها.
۶. ترجمه‌ی حجتی: موارد اساسی: علاقه به اسبان، موجب انصراف از ذکر خدا؛ بازگرداندن اسب‌ها؛ علامت گذاشتن بر سر و گردن اسب‌ها برای وقف کردن در راه خدا.
۷. ترجمه‌ی طبری: موارد اساسی: دوستی اسبان از یاد کرد خدا است، بازگرداندن اسب‌ها، دست کشیدن به ساق‌ها و گردن اسب‌ها.
۸. ترجمه‌ی فارسی: موارد اساسی: عشق به مال به جای یاد پروردگار، غروب خورشید، بازگرداندن اسب‌ها، تیغ نهادن بر ساق و گردن اسب‌ها و قربانی کردن آنها به توبه‌ی آن غفلت.
۹. ترجمه‌ی فولادوند: موارد اساسی: ترجیح دادن دوستی اسبان بر یاد پروردگار، گذشتن وقت نماز، غروب خورشید، بازگرداندن اسب‌ها، دست کشیدن بر ساق‌ها و گردن اسب‌ها و وقف کردن آنها در راه خدا.
۱۰. ترجمه‌ی کاویانپور: موارد اساسی: علاقه به اسب‌ها موجب غافل شدن از نماز عصر، غروب آفتاب، بازگرداندن اسب‌ها، دست کشیدن به پا و گردن اسب‌ها و صدقه دادن آنها.
۱۱. ترجمه‌ی گرمارودی: موارد اساسی: دوستی اسبان برای یاد پروردگار است، پنهان شدن اسبان از دیدگان سلیمان، بازگرداندن اسب‌ها، دست کشیدن به ساق‌ها و گردن اسب‌ها.
۱۲. ترجمه‌ی مشکینی: موارد اساسی: دوستی اسبان جهاد از سر یاد پروردگار است، اسب‌ها از نظر غایب شدند یا خورشید غروب کرد، (وقت وردش گذشت)، ترجیح ناآگاهانه‌ی دوستی اسبان بر یاد پروردگار، (ترک اولی)،

بازگرداندن اسب‌ها، دست کشیدن به ساق‌ها و گردن اسبان به قصد وقف نمودن همه در راه جهاد.

۱۳. ترجمه‌ی معزی: موارد اساسی: خوابیدن برای دوست داشتن اسبان از یاد پروردگار خویش، در پرده نپنهان شدن، بازگرداندن، دست کشیدن به ساق‌ها و گردن‌ها.

۱۴. ترجمه‌ی مکارم شیرازی: موارد اساسی: دوست داشتن اسبان به خاطر پروردگار (برای جهاد)، پنهان شدن اسب‌ها از دیدگانش، بازگرداندن اسب‌ها، دست کشیدن به ساق‌ها و گردن آنها برای نوازش دادن.

## ۷. نقد ترجمه‌ها

به نظر نگارندگان، با توجه به اینکه ضمیر در (تورات بالحجاب) و (ردّوها عَلَيَّ) به اسب‌ها بر می‌گردد، ترجمه‌هایی که غروب خورشید و گذشتن وقت نماز و بازگرداندن خورشید را مطرح کرده‌اند، دارای اشکال هستند یعنی ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، انصاریان، آیتی، بروجردی، پورجوادی، فارسی، فولادوند، کاویانپور و مشکینی، که البته ترجمه مشکینی به هر دو وجه اشاره کرده: یعنی غایب شدن اسبان یا غروب خورشید. ترجمه‌ی معزی دارای ابهام است و به صورت صریح، معلوم نیست عبارت (نپنهان شد در پرده) به اسب بر می‌گردد یا خورشید. در (بازگردانیدش)، باز ابهام وجود دارد ولی در اینجا با توجه به عبارت (دست سودن به ساق‌ها و گردن‌ها) احتمال اینکه منظور از بازگرداندن، اسب‌ها باشد بیشتر است تا خورشید.

برگزیدن دوستی و علاقه به اسبان بر یاد پروردگار و انصراف از نماز و ذکر با بیان‌های مختلف، اشکال دیگر است که در ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، انصاریان، آیتی، بروجردی، پورجوادی، حجتی، فارسی، فولادوند، کاویانپور و معزی دیده می‌شود. در ترجمه‌ی مشکینی، ترجیح ناآگاهانه‌ی دوستی اسبان بر یاد پروردگار مطرح شده است. کشتن اسب‌ها، اشکال دیگری است که در ترجمه‌های آیتی، بروجردی و فارسی به صورت‌های گوناگون بیان شده است. دوستی اسبان به خاطر یاد پروردگار و یا جهاد، نکته‌ی مثبتی است که در ترجمه‌های طبری، گرمارودی، مشکینی و مکارم شیرازی مشهود است. البته ترجمه‌های دیگری اشاره کرده‌اند که بازدید اسبان و استفاده از آنها برای جهاد در راه خدا بوده است

مثل ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای و انصاریان. دست کشیدن به ساق‌ها و گردن اسب‌ها، متناسب با سیاق آیات است که این موضوع در ترجمه‌های الهی قمشه‌ای، انصاریان، پورجوادی، طبری، فولادوند، کاویانپور، گرمارودی، مشکینی، معزی و مکارم شیرازی به چشم می‌خورد ولی قابل ذکر است که دست کشیدن به ساق‌ها و گردن اسب‌ها برای نوازش آنها و اظهار علاقه و محبت و تکریم آنها بوده است ولی بعضی از این ترجمه‌ها دست کشیدن به ساق‌ها و گردن اسب‌ها را به منظور وقف کردن آنها در راه خدا (الهی قمشه‌ای، فولادوند و مشکینی) و صدقه دادن آنها (کاویانپور) مطرح نموده‌اند. ترجمه‌ی حجتی، علامت گذاشتن بر سر و گردن اسب‌ها برای وقف کردن در راه خدا را بیان نموده است. در بین این چهارده ترجمه، سه ترجمه‌ی طبری، گرمارودی و مکارم شیرازی متناسب با سیاق آیات به ترجمه پرداخته‌اند. ترجمه‌ی «طبری» با وجود خلاصه بودن، خوب است و ترجمه‌ی «گرمارودی» و ترجمه‌ی «مکارم شیرازی» به صورت کامل و خوب به بیان آیات مذکور پرداخته‌اند. ترجمه‌های دیگر دارای اشکالاتی است که به طور اجمال به آنها اشاره شد و در بررسی تفسیری نیز بیان گردید.

## ۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه با آنچه ذکر گردید، می‌توان گفت که سلیمان علیه السلام بنده‌ی خوب خدا بوده است زیرا همواره رو به درگاه خدا داشته است. روزی (عصر) که اسب‌های تندرو به حضور سلیمان علیه السلام آورده می‌شوند، (و این عرضه‌ی اسب‌ها در نزد سلیمان، عرضه‌ی نظامی و برای آمادگی جهاد در راه خدا بوده است) سلیمان گفت: من این اسبان را به خاطر یاد پروردگارم (و دستور خدا برای جهاد با دشمنان او) دوست دارم و به دیدن اسب‌ها مشغول شد تا این‌که اسب‌ها به سبب دوری مسافت و غبار از مقابل دیدگانش پنهان شدند و دیدن اسب‌ها به قدری برایش دوست داشتنی و مسرت بخش بود که او دستور داد بار دیگر این اسب‌ها را نزد من برگردانید و وقتی اسب‌ها را بازگرداندند، سلیمان به دست کشیدن به ساق‌ها و گردن اسب‌ها برای نوازش آنها و ابراز علاقه و تکریم آنها پرداخت. در ترجمه و تفسیرهایی بیان شده که تماشای اسب‌ها آن قدر سلیمان را به خود مشغول کرد که آفتاب غروب کرد و نماز عصرش قضا شد و به خاطر این موضوع دستور داد آفتاب را برگردانند تا نمازش را بخواند و برخی گفته‌اند به سبب تماشای اسبان و گذشتن وقت نماز، دستور داد که

تمام اسب‌ها با شمشیر کشته شوند که این مطلب با آیات قرآن منافات دارد و روایات وارده از ائمه علیهم‌السلام نیز آنها را تأیید نمی‌کند و از لحاظ عقلی و انسانی نیز قابل پذیرش نیست که گروهی از اسبان به خاطر فراموشی انسانی (غافل شدن از نماز عصر) کشته شوند و این جنایت از بسیاری از انسان‌های عادی نیز قابل تصور نیست پس چگونه می‌شود آن را به پیامبری هم‌چون سلیمان که رسول خدا و دارای مقام عصمت است، اسناد داد؟! برخی نقل‌ها اشاره کرده‌اند که اول وقت نماز یا وقت فضیلت آن گذشت و سلیمان از ثواب عظیم اول وقت نماز، محروم ماند و آفتاب را برای او برگرداندند و او نمازش را در وقت خود به جا آورد (نه در اول وقت) و بیان شده که مسح ساق‌ها و گردن، اشاره به وضوی آنها برای نماز بوده است. به نظر می‌رسد برگشت ضمیر در (تورات بالحجاب) و (ردوها علی) به اسب‌ها است و همان‌گونه که ذکر شد اسب‌ها از دیدگانش محو شدند و دستور داد بار دیگر اسب‌ها را به حضورش بازگردانند و از روی محبت و علاقه و تکریم اسب‌ها به نوازش و دست کشیدن به گردن و ساق‌های آنها پرداخت. ترجمه و تفسیرهایی که افعال مذمومی را به سلیمان علیه‌السلام نسبت می‌دهند مقام پیامبری را زیر سوال برده و با اهداف ترجمه‌ی قرآن که نشر معارف و حقایق قرآنی است، ناسازگارند.

## منابع

۱. قرآن کریم؛ ترجمه‌های: الهی قمشه‌ای، انصاریان، عبدالمحمد آیتی، بروجرودی، پورجوادی، حجتی، طبری، فارسی، فولادوند، کاویانپور، گرمارودی، مشکینی، معزی و مکارم شیرازی.
۲. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، فتح‌الباری، بیروت، دارالمعرفه، بی‌تا.
۳. ابن عربی، محیی‌الدین، الفتوحات المکیة، بیروت - لبنان، دارصادر، بی‌تا.
۴. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت - لبنان، دارالفکر، ۱۴۱۵ق.
۵. ابن‌کثیر، اسماعیل بن عمر، البدایة والنهایة، تحقیق: علی شیری، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۶. همو، تهذیب قصص الانبیاء، به کوشش: عرفان سلیم حسونه، بیروت - لبنان، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۲۴ق.



۷. همو، قصص الانبیاء، تحقیق: مصطفی عبدالواحد، مصر، دارالکتب الحدیثه، چاپ اول، ۱۳۸۸ق.
۸. آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، محقق: علی عبدالباری عطیه، لبنان- بیروت، دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۹. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه البعثه، بی تا.
۱۰. تستری، سهل بن عبدالله، تفسیر التستری، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۱۱. جصاص، ابوبکر احمد بن علی رازی، احکام القرآن، تحقیق: عبدالسلام محمد علی شاهین، بیروت- لبنان، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۱۲. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، مصحح: هاشم رسولی، قم، اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ق و ۱۴۱۵ق.
۱۳. رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مصحح: محمد مهدی ناصح و محمد جعفر یاحقی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۱۴. راوندی، قطب‌الدین، فقه القرآن، تحقیق: سید احمد حسینی، بی جا، مکتبه آیه الله العظمی النجفی المرعشی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ق.
۱۵. ری شهری، محمد، موسوعه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام فی الكتاب و السنة و التاريخ، بمساعدة: سید محمد کاظم طباطبایی، سید محمود طباطبائی نژاد، قم، دارالحدیث، چاپ دوم، ۱۴۲۵ق.
۱۶. زحیلی، و هبة، التفسیر المنیز فی العقیده و الشریعة و المنهج، دمشق- سوریه، دارالفکر، چاپ دوم: ۱۴۱۱ق.
۱۷. همو، التفسیر الوسیط، دمشق- سوریه، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۲۷ق.
۱۸. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.



۱۹. شنقیطی، محمدالامین بن محمد بن المختار، *اضواء البیان فی ایضاح القرآن بالقرآن*، بیروت، دارالفکر للطباعة و النشر، ۱۴۱۵ق.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت- لبنان، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مصحح: فضل الله یزدی طباطبایی، هاشم رسولی، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۲۲. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الطبری (تاریخنامه طبری)*، مترجم: ابوعلی محمد بن محمد بن عبدالله تمیمی بلعی، تحقیق: محمد روشن، بی‌جا، سروش، چ دوم، ۱۳۷۸ش.
۲۳. طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۶۲ش.
۲۴. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، *التبیین فی تفسیر القرآن*، تحقیق: احمد قصیر عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
۲۵. عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی‌تا.
۲۶. عینی، محمود بن احمد، *عمدة القاری*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.
۲۷. فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*، لبنان- بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۲۸. فیض کاشانی، محسن، *تفسیر الصافی*، مقدمه و تصحیح: حسین اعلمی، تهران، مکتبه الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ق.
۲۹. قرشی، سید علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۲ش.

۳۰. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش.
۳۱. کاشانی، فتح‌الله، زبدة التفاسیر، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.
۳۲. کاظمی، جواد، مسالک الافهام إلى آیات الاحکام، تحقیق: محمد باقر شریف‌زاده، اشرف علی، تصحیح: سید محمد تقی کشفی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۳. مازندرانی، محمد بن علی (ابن شهر آشوب)، متشابه القرآن و مختلفه، بی‌جا، بی‌نا، ۱۳۲۸ ق.
۳۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (مجلسی دوم)، بحار الانوار، تحقیق: عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت- لبنان، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۳۵. مجلسی، محمد تقی (مجلسی اول)، لوامع صاحبقرانی (شرح الفقیه)، قم، مؤسسه دارالتفسیر، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۳۶. مروتی، سهراب، تحلیل انتقادی انگاره ترجمه قرآن کریم، ایلام، جوهر حیات، چاپ اول، ۱۳۹۴ ش.
۳۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
۳۸. مغنیه، محمد جواد، التفسیر المبین، بی‌جا، مؤسسه دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱ ش.